

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ!

آیا برای خلیفه جائز است تا بالای مسلمانان مالیات وضع نماید؟

(ترجمه)

پرسش

السلام علیکم ورحمت اللہ وبرکاتہ!

اللہ متعال عمر طولانی نصیب‌تان فرماید. از شما پرسشی دارم، امیدوارم پاسخ ارائه فرمایید. واضح است که مالیات در اسلام حرام می‌باشد؛ پس دولت اسلامی چگونه می‌تواند چنین مشکلی را بر طرف کند؛ در حالی‌که امروز (توظیف، عشر و خراج) وجود ندارد؟

پاسخ

علیکم السلام ورحمت اللہ وبرکاتہ!

معلوم می‌شود که در رابطه به پرسش موضوع، شما دچار التباس شده‌اید؛ چون می‌گویید که: مالیات در اسلام حرام می‌باشد. این به شکل عام در حالات مخصوص درست است. همچنان گفتید: امروزه عشر و خراج وجود ندارد. باید توجه داشته باشید که سرزمین مسلمانان یا عشری است و یا هم خراجی که فعلاً وجود دارد. در رابطه به موضوع، شما کلمات؛ چون: توظیف، عشر و خراج را یادآور شدید که کلمه (توظیف) در این‌جا بی‌ربط می‌باشد.

به هر صورت ما برای‌تان پاسخ مفصلی ارائه خواهیم داشت تا ابهامی باقی نماند. ان‌شاءالله!

1- شریعت سلطان را از وضع مالیات بالای مسلمانان به خواست خودش نهی نموده است. رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حدیثی که احمد روایت نموده و زین و حاکم آن را صحیح می‌دانند، فرموده‌اند:

«لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ صَاحِبُ مَكْسٍ»

ترجمه: صاحب مالیات وارد بهشت نمی‌شود.

کلمه (مکس) عبارت از مالیاتی است که از تجار در مرز سرزمین‌های گرفته شده اخذ گردد؛ اما نهی رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم مطابق حدیث متفق علیه که از طریق ابوبکر روایت شده است، تمام مالیات را شامل می‌شود که فرمودند:

«إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بِلَادِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا»

ترجمه: بدون شک خون، مال و آبروی شما بر یکدیگر حرام است؛ مانند: حرمت امروز و این ماه و این شهر شما.

این حدیث شامل خلیفه و عامه مردم می‌گردد؛ بناءً برای خلیفه جائز نیست تا به خاطر مصارف، از مردم مالیات اخذ کند؛ بلکه باید از بیت‌المال استفاده نماید.

2- اما حالات خاصی وجود دارد که شریعت مطابق نصوص وارده، آن را استثناء قرار داده و مصارف را خاص بیت‌المال نکرده و آن را شامل همه مسلمان نموده است. این در صورتی است که مال کافی در بیت‌المال وجود نداشته باشد. مصارف از دوش بیت‌المال به دوش امت افتاده و از سرمایه‌داران امت به مقدار ضرورت بدون زیادت از نیاز، مالیه اخذ گردیده و در مواضع خاص خودش مصرف می‌گردد. باید واضح گردد که اخذ مالیه در چنین یک وضعیت از خواست و صلاحیت حاکم نیست که هرگونه خواست مالیه اخذ نماید؛ بلکه سلطان مجری اوامر الله سبحانه و تعالی است. در چنین یک وضعیت امر الله سبحانه و تعالی را اجراء کرده و مطابق احکام شرعی عمل می‌نماید [حسب نیاز مالیات را بالای ثروت‌مندان امت وضع می‌کند]. بدین اساس شریعت سلطان را مکلف به پرداخت مصارف مسلمانان از بیت‌المال نموده است؛ پس اگر مال

کافی در بیت‌المال وجود نداشت که کفایت مصارف را بکند، خلیفه مطابق احکام شرعی می‌تواند به قدر ضرورت مالیات را بالای ثروت‌مندان وضع نماید که در این صورت عمل وی حرام نمی‌باشد.

3- جواز وضع مالیات بالای مسلمانان باید دارای شروط زیر باشد:

این‌که در بیت‌المال مال کافی وجود نداشته باشد؛

وجود نص شرعی که مصارف را بالای بیت‌المال و مسلمانان واجب گرداند؛

وضع مالیات باید بیش‌تر از نیاز نباشد؛

مالیات باید بالای ثروت‌مندی که بیش‌تر از نیازشان ثروت دارند، وضع گردد.

4- همچنین اخذ مالیات از مسلمانان مطابق شروط گذشته صورت می‌گیرد و آن زمانی است که شریعت انفاق حالات ویژه را نه تنها بالای بیت‌المال؛ بلکه بالای جمیع مسلمین فرض کرده باشد. به‌گونه مثال: اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف برای فقراء نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد؛ چون بیت‌المال تنها مسئول پرداخت مصارف فقراء نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد. حاکم در مستدرک خود از عائشه رضی‌الله‌عنها روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«لَيْسَ بِالْمُؤْمِنِ الَّذِي يَبِيتُ شَبْعَانًا وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ»

ترجمه: مومن نیست آن‌که خودش سیر بخوابد؛ ولی همسایه او در کنارش گرسنه باشد.

در روایت طبرانی در معجم کبیر از انس بن مالک رضی‌الله‌عنه روایت شده که گفت: رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«مَا آمَنَ بِي مَنْ بَاتَ شَبْعَانًا وَجَارُهُ جَائِعٌ إِلَى جَنْبِهِ وَهُوَ يَعْلَمُ بِهِ»

ترجمه: هرکسی که شب را سیر به بستر برود و بداند که همسایه‌اش در کنار او گرسنه مانده به من ایمان نیاورده است.

حاکم در مستدرک از ابن عمر رضی‌الله‌عنه‌ما روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«وَأَيُّمَا أَهْلٍ عَرَصَتْ فِيهِمْ امْرُؤٌ جَائِعًا، فَقَدْ بَرِنَتْ مِنْهُمْ ذِمَّةُ اللَّهِ»

ترجمه: اهل هر سرزمینی که شب را به روز برسانند؛ درحالی‌که شخصی گرسنه‌ای در میان آنان باشد، ذمه خدا و رسول‌اش از آنان بری است.

اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف جهاد نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد؛ چون بیت‌المال تنها مسئول پرداخت مصارف جهاد نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد. الله متعال می‌فرماید:

﴿وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [توبه - 41]

ترجمه: در راه خدا به مال و جان جهاد کنید، این کار شما را بسی بهتر خواهد بود؛ اگر مردمی با فکر و دانش باشید.

دلایل دیگر نیز در این راستا وجود دارد.

اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف ارتش نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد؛ چون بیت‌المال تنها مسئول پرداخت مصارف ارتش نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردند؛ چون احمد در مسند خویش از عبدالله بن عمرو رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند:

«لِلْعَازِي أَجْرُهُ، وَلِلْجَاعِلِ أَجْرُهُ وَأَجْرُ الْعَازِي»

ترجمه: برای غازی اجر خودش و برای مزدهنده اجر غازی و اجر خودش داده می‌شود.

اگر در شهری بیمارستان وجود نداشت و عدم موجودیت آن سبب متضرر شدن مردم می‌گردید و بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف اعمار آن نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد؛ چون: اعمار بیمارستان جهت رفع ضرر از مردم، تنها مسئولیت بیت‌المال نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد؛ چون: جلوگیری از ضرر و اجبه عامه‌ای مردم می‌باشد. حاکم در مستدرک حدیث صحیحی را از ابی سعید خدری رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ، مَنْ ضَارَّ ضَارَّهُ اللَّهُ، وَمَنْ شَاقَّ شَاقَّ اللَّهُ عَلَيْهِ»

ترجمه: ضرر و زیان رسانیدن به خود جائز نیست. کسی که به دیگری زیان وارد می‌کند، الله جل‌جلاله به او زیان رسانده و کسی که دیگری را به مشقت اندازد، الله جل‌جلاله او را به مشقت خواهد افکند.

اگر بیت‌المال قادر به پرداخت مصارف برای رعیت در حوادث؛ مانند: طوفان و زمین لرزه نبود، مالیات بالای ثروت‌مندان به اندازه ضرورت وضع می‌گردد؛ چون بیت‌المال تنها مسئول پرداخت مصارف حوادث نبوده و ثروت‌مندان نیز شامل آن می‌گردد. به دلیلی که ابوداود در سنن خویش از ابن حُجیر العَدَوی روایت می‌کند که گفت: از عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه شنیدم که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«وَتُعِيثُوا الْمُلْهُوفَ وَتَهْدُوا الضَّالَّ»

ترجمه: متضرر را کمک و گمراه را راهنمایی کنید.

این حدیث در زمان قحطی که قبلاً یادآور شدیم، نیز صدق می‌کند.

5- مصارف در مواردی؛ چون: ایجاد راه دومی، اعمار بیمارستان دومی، فابریکه‌های تولیدی؛ مانند: استخراج نکل و سنگ سرمه، ایجاد حوض‌ها به خاطر کشتی‌های تجارتي و غیره که عدم موجودیت‌شان باعث متضرر شدن مردم نمی‌گردد، تنها مسئولیت بیت‌المال می‌باشد. در صورت موجودیت پول کافی، بیت‌المال باید اقدام به این کارها نماید؛ اما اگر پول کافی در بیت‌المال وجود نداشت، مسلمانان مکلف به پرداخت مالیات نبوده و باید منتظر بمانند تا پول مورد نیاز به دسترس بیت‌المال قرار گیرد.

6- به جز از ثروت‌مندان، مالیات بالای دیگر مسلمانان وضع نمی‌گردد؛ چون کسی که بیش‌تر از حاجات اساسی‌اش ثروت نداشته باشد، از وی مالیات اخذ نمی‌گردد؛ مگر کسی که بیش‌تر از حاجات اساسی‌اش ثروت داشته باشد، مالیات پرداخت می‌نماید. بخاری از ابوهریره روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنَى»

ترجمه: بهترین صدقه آن است که با پشتوانه بی‌نیازی باشد.

غنی آن را گویند که انسان بدان نیاز نداشته باشد و از حد نیازش خارج باشد.

مسلم از جابر رضی‌الله‌عنه روایت می‌کند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود:

«أَبْدَأُ بِنَفْسِكَ فَتَصَدَّقْ عَلَيْهَا، فَإِنْ فَضَلَ شَيْءٌ فَلَأَهْلِكَ، فَإِنْ فَضَلَ عَنْ أَهْلِكَ شَيْءٌ فَلِذِي قَرَابَتِكَ، فَإِنْ فَضَلَ عَنْ ذِي قَرَابَتِكَ شَيْءٌ فَهَكَذَا وَهَكَذَا - يَقُولُ فَبَيْنَ يَدَيْكَ، وَعَنْ يَمِينِكَ، وَعَنْ شِمَالِكَ»

ترجمه: مصرف را از خود شروع کن و اول به نفس خویش کمک نما؛ پس اگر چیزی اضافه شد، آن را به اهل و عیال خود بده؛ اگر از اهل و عیالات چیزی اضافه گردید، آن را به خویشاوندان خویش عطا کن و اگر از آنان چیزی اضافه ماند، این چنین و آن چنان پیش‌رو، چپ و راست (به هرکی خواهی بدون منت) مصرف کن.

پس کسی که باید برایش انفاق شود، در مرتبه دوم پس از خود انفاق کننده قرار داده شده و مالیات نیز مانند نفقات و صدقه می باشد؛ چون الله سبحانه و تعالی می فرماید:

(وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ) [نقره: 219]

ترجمه: از تو می پرسند: چه چیز را صدقه و انفاق کنند؟ بگو: مازاد از نیاز مندی خود و خویش را.

یعنی مالی که از نیاز بیش تر باشد و در مصرف اش زحمت نی آید آن را مالیه گرفته می شود؛ پس مالیات از ثروت مندانی که شامل دایره زکات می گردند، گرفته می شود؛ نه از فقراء.

7- اما مالیات بیش تر از قدر ضرورت بالای رعیت وضع نمی گردد؛ چون نصوص شرعی، گرفتن مالیات را به خاطر رفع نیاز مندی های خاص جواز داده است. این همان حالت استثنائی گرفتن مال یک فرد بدون رضایت اش می باشد. بناءً باید همان حدی را که نصوص در اخذ مالیات معین ساخته [گرفتن مالیات به اندازه نیاز؛ نه بیش تر از آن]، رعایت گردد، در غیر آن اخذ مالیات بدون رضایت، ظلم محسوب می گردد.

8- از آن چه که گذشت فهمیده می شود که فرضیه ناتوانی (دائمی و یا شبیه دائمی) در رابطه به بودجه دولت خلافت اسلامی، یک فرضیه ای می باشد که در غیر محل اصلی اش قرار دارد؛ چون ناتوانی یعنی این که عوائد برای مصارف کفایت نکند. ولی اگر اسلام به شکل احسن تطبیق گردد، این ناتوانی بنا به دو امر مهم، خلاف اصل می باشد:

الف: احکام شرعی بدون در نظر داشت اجتهاد و سنجش مردم، چگونگی اخذ مالیات و مصرف آن را توسط دولت، مفصلاً بیان نموده است. قسمی که در بالا تذکر دادیم انفاق را در بعضی از اموری که ربطی به وجود و عدم وجود مال در بیت المال ندارد، بالای بیت المال و مسلمانان لازم گردانیده است. اگر مال کافی در بیت المال وجود نداشته باشد، مالیات جهت تنظیم بعضی امور وضع می گردد. مصارفی که فقط برای بیت المال لازم است، هنگامی باید صورت گیرد که بودجه کافی برای مصرف در بیت المال مسلمانان وجود داشته باشد، در این صورت هیچ نوع مالیاتی بالای مسلمانان وضع نمی گردد.

ب: عوائد دائمی بیت المال عبارت است از: قیء، غنائم، أنفال، خراج و غیره. همچنین ملکیت عامه با انواع آن و همچنین ملکیت دولتی نیز شامل عوائد بیت المال که عبارت است از: عشر، خمس معادن، معدن و اموال زکات.

پس حالات اصلی این است که هرگاه دولت خلافت موجود باشد، دارائی، تنها عوائد دائمی بیت المال حتماً مصارف اساسی بیت المال را بر آورده می سازد، برابر است که در وقت مشکلات، مال فزینی در بیت المال موجود باشد یا خیر. پس تصور عجز دولت خلافت در مصارف اساسی اش یک امر خیلی بعید است. لذا تصور ناتوانی و ضعف مالی در پرداخت مصارف [برای بیت المال دولت اسلامی]، امر نادرست و به دور از واقعیت می باشد.

تفصیلات بیش تر در کتاب های نظام اقتصادی، کتاب اموال در دولت خلافت و کتاب مقدمه دستور نیز پیشکش شده است.

امیدوارم این جواب به یاری الله سبحانه و تعالی کافی باشد.

برادران شیخ عطاء بن خلیل ابوالرشته

12 شعبان 1437 هـ.ق.

15 می 2016 م.